جام جم
رسانه
MEDIA
۹
دوشنبه ۱۳ آذر ۱۴۰۲ شماره ۶۶۴۹

باعشق و جان کار می‌کرد

داریوش یاری، کارگردان سریال «در کنار پروانه‌ها» که در این کار با مرحوم معصومی همکاری داشته، در مراسم ترحیم این بازیگر پیشکسوت و در خصوص ویژگی‌های او به «جام جم» می‌گوید: مثل مادر او را دوست داشتم. او همیشه از هیاهو و حاشیه به دور بود. باید می‌آمدید و می‌دیدید که روز تشییع او چه آرامشی حاکم بود. خدا را شکر می‌کنم آن‌طور که دوست داشت به رحمت خدا رفت.



خاطره‌ای از او دارم در تجربه نزدیک به ۹ ماهی که در سریال در کنار پروانه‌ها با او داشتم. اوج روزهای کرونا بود. کار آن‌قدر سخت شده بود که بازیگر روبه‌روی خانم معصومی کرونا داشت، رفتم گفتم شرایط سخت است اگر می‌شود به شیوه دیگری از شما تصویربرداری کنیم. پاسخی که او به من داد، این بود: مگر برای امام حسین(ع) کار نمی‌کنی؟ وقتی برای امام حسین کار می‌کنی، کار که سخت شد، تازه بوی کار امام حسین را می‌دهد. در نهایت همان شکلی می‌شود که خود امام می‌خواهد.

وی ادامه داد: واقعا نترسید که اوج کرونا بود و در آن سن و سال ایستاد و کار را به انجام رساند. این ویژگی حرفه‌ای و اخلاقی یک آدم است. بانو پروانه معصومی، سرشار از حکمت و اخلاق بود و واژه جوانمرد شایسته ایشان بود. روحش شاد و حیف که او را از دست دادیم.

به نام پروانه معصومی

برای تاریخ

گفتم

لندن پرواز داشت و بعدازظهر به تهران بازمی‌گشت. عنوان شخصیت تبلیغاتی من در این عکس خانم عطیقی بود که صبح برای خرید به لندن پرواز می‌کرد و بعدازظهر به تهران می‌آمد تا به کارهای دیگرش برسد. من برای این تبلیغ، خودم را گریم کرده و سن و سالم را بالا برده بودم.

گریم را خودتان انجام دادید؟

بله، آن عکس را آقای هژیر داریوش دیده بودند و باتوجه به سن‌وسالم در عکس من را برای بازی در فیلم انتخاب کردند. آقای بهارلو که از دوستان همسرم بود، مسأله را مطرح کرد و من که کودک خردسالی داشتم، نپذیرفتم. ضمن این‌که محیط سینمای آن زمان اصلا مناسب نبود اما آقای بهارلو لوکیشن را از در منزل ما نشان داد و مرا مجاب کرد که نقش را قبول کنم. اما وقتی آقای هژیر داریوش مرا با آن شکل و شمایل دیدند، فهمیدند جوان هستم اما من گفتم می‌توانم همان گریم را برای فیلم انجام دهم که این کار هم انجام شد و بازی من در این فیلم، مجموعا سه روز طول کشید اما همکاری با هژیر داریوش و دکتر کاووسی در همان مدت کوتاه برای من جوان تجربه خوبی بود.

مگر چند سال داشتید؟

فکر می‌کنم ۲۵ سال. بعد از آن تصمیم گرفتم در رشته گریم فعالیت کنم. از طریق آقای انور به تلویزیون معرفی شدم اما در آن سال‌ها گریم در تلویزیون جدی نبود و به همین خاطر این کار را هم کاملا کنار گذاشتم.

بازی در فیلم بیتا چه بازتابی برای شما داشت؟

نقش من در فیلم کم بود.

از این به بعد می‌خواهم به فیلم‌ها و فعالیت سینمایی شما بپردازم. اگر تا این مقطع مطلبی هست که باعث دلبستگی‌تان به سینما شد، بگویید؟

من گفتم دلبسته سینما شدم؟

نگفتید، اما مگر غیر از دلبستگی حس دیگری هم می‌تواند این همه سال آدم را در سینما نگه دارد.

بیشتر برایم یک هدف بود از ابتدای ورود به سینما. البته بعد از فیلم بیتا یک هدف باعث شد سینما و گونه خاصی از آن را انتخاب کنم که بعدا درباره آن صحبت می‌کنیم.

و حالا می‌رسیم به اولین حضور جدی شما در سینما و فیلم رگبار (۱۳۵۲)...

آقای احمدرضا احمدی از دوستان خانوادگی ما بود اما من آقای بیضایی را نمی‌شناختم. چون تماشاگر تئاتر نبودم. سینما هم که نمی‌رفتم. مطبوعات ایرانی آن زمان را هم نمی‌خواندم، آن زمان آقای معصومی مجله آلمانی «اشترن» را می‌خواند و من هم مجله «التررن» خانواده را مطالعه می‌کردم.

یعنی از جریانات فرهنگی ایران دور بودید؟

در حقیقت از جریانات بالقوه فرهنگی آن زمان که برای‌مان جذابیتی نداشت، دور بودیم. آقای احمدی قصه را برایم تعریف کرد اما من چیزی از آن نفهمیدم. تا بیضایی فیلمنامه را به من داد و بعد از مطالعه، بازی در آن را قبول کردم. قصه واقعا قشنگی بود اما ورود به محیط سینمای ایران برای من خیلی مسأله‌ساز می‌شد. آقای احمدی از این جهت به من اطمینان داد و من پذیرفتم.

بعد از حضور در رگبار چه احساسی داشتید؟

تجربه بسیار خوبی بود، من دیدم می‌شود در این سینما ماند و فیلم خوب بازی کرد و این همان هدفی بود که قبلا اشاره کردم.

حتما بعد از آن پیشنهادات زیادی برای بازیگری داشتید؟

آن دوره این‌طور بود که بعد از متولد شدن یک بازیگر در سینما و موفقیتش، از همه‌سو به او پیشنهاد بازی می‌دادند ولی من نشان دادم هیچ‌کدام از آن پیشنهادات برایم جذابیتی ندارد تا فیلم بعدی یعنی «غریبه و مه».

با بازی در فیلم غریبه و مه (۱۳۵۴) درواقع وارد جریان موج نوی سینمای ایران شدید؟

بله. اصولا من از سینمای گیشه‌ای آن زمان کاملا دور بودم و تنها فیلم‌هایی که دیدم، حسن کچل (علی حاتمی) و قیصر (مسعود کیمیایی) بود.

در انتخاب فیلم‌ها و نقش‌ها، از کسی مشاوره می‌گرفتید یا تنها به خاطر اعتمادی که به بیضایی داشتید، نقش‌ها را قبول می‌کردید؟

می‌دانستم در کنار ایشان نوعی از سینما را تجربه می‌کنم که برای خانواده‌ام مشکلی ایجاد نمی‌کند و با همفکری شوهرم، نقش‌ها را می‌پذیرفتم. شاید باور نکنید اما در فیلم غریبه و مه ما هر شب برای نقش با هم گفت‌وگو می‌کردیم.

درباره همین فیلم نکته‌ای را به خاطر دارید که طی همین گفت‌وگوها به دست آمده باشد؟

برای ناپدید شدن قایق به نظرم آمد، بهتر است به جای آتش زدن، آن را چال کنم تا اگر روزی شوهرم به قایق احتیاج داشت، آن را در اختیارش بگذارم و همین فکر در فیلم گنجانده شد.

از ویژگی‌های کار با بیضایی برای‌مان بگویید؟

یادم هست برای فیلم کوتاه «سفر» همان‌طور که در فیلم می‌بینید، ایشان نقشی کوتاه را برای من درنظر گرفتند که فوق‌العاده باارزش بود اما آقای بیضایی به خاطر کوتاهی نقش با نوعی شرم آن را به من پیشنهاد کرد. من همیشه برای ایشان احترام قائلم، چون بسیار صاحب اندیشه و محترم هستند.

چرا با دیگر کارگردانان موج نوی سینمای ایران کار نکردید؟

من خیلی ریسک کرده بودم که در آن سال‌ها با فیلم رگبار وارد سینما شدم، دیگر ریسک بعدی احتیاج نبود چون من نه بازیگر حرفه‌ای بودم و نه از این طریق ارتزاق می‌کردم. آن‌قدر هم عاشق سینما نبودم که اگر جلوی دوربین ظاهر نشوم، دق کنم. برای همین خیلی طبیعی بود که تنها در فیلم‌های آقای بیضایی بازی کنم.

آن‌وقت چطور شد که از سال ۵۶ تا ۶۳ به طور کلی از سینما دور شدید؟

سال ۵۶ «کلاغ» را بازی کردم. بعد از ایران رفتم تا ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۸ که به ایران بازگشتم.

چرا رفتید، اصلا کجا رفتید؟

پسرم در فرانسه درس می‌خواند، من هم پیش او بودم تا این‌که انقلاب پیروز شد و پسرم با همان سن کمی که داشت، گفت مادر مدت‌ها منتظر چنین روزی بودم. حالا که اتفاق افتاده، چرا اینجا بمانیم و ما به ایران برگشتیم. از سال ۵۸ تا ۶۳ محدودیت حضور خانم‌ها در سینما زیاد شد، هنوز آن دوره‌ای که خود امام سینما را تاکید کردند، نرسیده بود. اگر زنی هم در فیلمی حضور داشت به عنوان یکی از وسایل صحنه و در لانگ‌شات بود.

سال ۶۲ فیلم «راه دوم» را به کارگردانی حمیدرضا رخشانی بازی کردم و قصه زنی را روایت می‌کرد که با شوهرش همراه و همفکر نبود. فیلم نگاه دقیقی به نقش زن داشت. متاسفانه در عمل موضوع درخوری نشد اما مقطع خاصی از سینما را دگرگون کرد و آن حضور زن در سینما بود.

«تاتوره» بلافاصله بعد از این فیلم پیشنهاد شد؟

بله آقای کیومرث پوراحمد من را انتخاب کرد و خانم مهوش شیخ‌الاسلامی مدیرتولید فیلم که از دوستانم بود، من را مطلع کرد. فیلم را خیلی دوست داشتم، به‌ویژه شیوه کار آقای پوراحمد برای من جایگاه خاصی داشت. بهترین تجربه این فیلم برای من، ارائه یک شناسنامه - خارج از فیلمنامه - برای مروارید بود که از طرف ایشان مطرح شد.

بعد از انقلاب با چه هدفی فیلم‌ها را انتخاب می‌کردید؟

با این هدف که زن دوباره جایگاه واقعی خود را در سینما پیدا کند. معتقد بودم که زن می‌تواند در سینمای بعد از انقلاب جایگاه ویژه و محکمی داشته باشد.

می‌رسیم به «گلهای داوودی» که در همان سال اولین جایزه جشنواره فیلم فجر را برای تان به ارمغان آورد...

فیلم گلهای داوودی در زمان خودش موفق بود. با آقای رسول صدرعاملی خیلی خوب کار کردیم. موضوعاتی در فیلم وجود داشت که برایم بسیار عجیب بود. هرکدام را با ایشان درمیان می‌گذاشتم یا می‌پذیرفتند یا این‌که طی مباحثه‌ای به درک صحیحی از آن می‌رسیدیم.

از این تغییرات چیز موثری را به خاطر دارید که در فیلم اعمال شده باشد؟

در فیلمنامه اصلی انتهای داستان خیلی شاد درنظر گرفته شده بود اما در آن صحنه‌ای که به آقای مشایخی می‌گفتم خسته‌ام، خیلی خیلی خسته‌ام. احساس می‌کردم با این جمله زندگی زن پایان می‌گیرد و این مرگ درونی اجازه نمی‌دهد او به دنبال پسرش برود. چون رسالت مادر پایان گرفته بود و دیگر هیچ هدفی برای زنده ماندن نداشت. آقای صدرعاملی این را پذیرفت و در فیلم هم به کار گرفت.

به عنوان پروانه معصومی جایگاهی در میان مردم دارم که به چشم مادر و همدل به من نگاه می‌کنند. حاضر نیستم این اعتماد را با پذیرفتن نقش‌های نامناسب از دست بدهم

برای خواندن متن کامل این گفت‌وگو کیوآرکد را اسکن کنید



دیالوگ شنیدنی

هاجر در سریال امام علی (ع): یادت هست روزی که خواستم عشق را برایم معنی کنی؟ جواب آن روزت را امروز می‌فهمم. عشق یک حالت است. درست مثل حالت مالک نسبت به علی.

خاطره‌انگیزها

گیلسو درمیان گل‌های داوودی



هاجر

یکی از نقش‌های ماندگار و به یادماندنی زنده‌یاد معصومی در سریال خوش‌ساخت امام علی (ع) به کارگردانی داوود میرباقری بود که در آن نقش هاجر همسر مالک‌اشتر را بر عهده داشت. زنی مقتدر و در عین حال همراه بود.



بانوتیه

از دیگر نقش‌های این بازیگر پیشکسوت می‌توان به بانو تیه در سریال یوسف پیامبر (ع) به کارگردانی زنده‌یاد فرج‌ا... سلحشور اشاره کرد. تیه از مریدان معبد آمون بود. این نقش به لحاظ منفی بودن و گریم از آثار متفاوت وی تلقی می‌شود.



عصمت

یکی از مشهورترین فیلم‌های درام پس از انقلاب گل‌های داوودی است که در دهه ۶۰ حسابی سروصدا کرد. پروانه معصومی در این فیلم سینمایی نقش عصمت را برعهده داشت که برای این نقش احساسی، برنده سیمرغ بلورین شد.



خاتون

از زنان متفاوتی که نقش‌شان با جان‌بخشی زنده‌یاد معصومی در یادها مانده است، خاتون فیلم ناخدا خورشید به کارگردانی ناصر تقوایی است. این بازیگر در این سریال ایفاگر شخصیت زنی سختکوش و همدل با همسرش بود.



فاطمه

فیلم سینمایی و مینی‌سریال مسافر ری اثر دیگری از داوود میرباقری است که زنده‌یاد معصومی در آن ایفاگر نقش فاطمه، همسر حضرت عبدالعظیم حسنی است. این شخصیت هم زنی از دل تاریخ بود.



گیلسو

کم‌حرف، وارسته و هدایتگر ویژگی‌های شخصیتی نقش گیلسو در سریال در کنار پروانه‌هاست. این سریال را می‌توان آخرین نقش این بازیگر کهنه‌کار در تلویزیون دانست. این سریال در خطه گیلان می‌گذشت.

یادگاری

آخرین مصاحبه زنده‌یاد معصومی با «جام جم»

فاطمه عودباشی
دبیر گروه رسانه

سال ۱۴۰۰ برای ایفای نقش در سریال در کنار پروانه‌ها با پروانه معصومی گپ زدیم؛ سریالی که در دوران کرونا ساخته و پخش شد. او که سال‌ها در گیلان زندگی می‌کرد در این سریال نیز در این خطه حضور داشت. این بازیگر و هنرمند پیشکسوت درباره بازی‌اش در نقش یک زن خاص و متفاوت به نام گیلسو و کار در ایام کرونا چنین گفت.

خانم معصومی مدتی است کم کار شده‌اید. چرا؟

نزدیک به دو سال است کار نمی‌کنم. به دلیل کرونا از خانه‌ام هم بیرون نمی‌آیم اما جالب است که در این دو سال خیلی پیشنهاد بازی داشتم، حتی یک روز به یکی از دستیارانی که با من تماس گرفته بود، گفتم نکند شما قصد دارید کسانی را که پا به سن گذاشته‌اند، از روی زمین بردارید! به همین دلیل پیشنهادها را قبول نمی‌کردم. حتی یک بار هم کرونای خیلی سختی گرفتم و از آنجا که واکسن هم نمی‌توانم بزنم، بنابراین باید خیلی مراقب خودم باشم تا دوباره مبتلا نشوم.

پس چه عاملی شما را تشویق کرد در سریال در کنار پروانه‌ها بازی کنید؟ آیا فضای معنوی کار، شما را برای بازی ترغیب کرد؟

دقیقا همین است که می‌گویید. سریال در کنار پروانه‌ها صرفا اثری ملودرام نیست، بلکه اثری است که در محرم پخش می‌شود و فضای غالب بر کار هم معنوی است. همین موضوع برای من خیلی برجسته بود. چون انس با قرآن در سریال مستتر است و این فضا را دوست دارم. از سوی دیگر این سریال گروهی حرفه‌ای و منسجم دارد که از تهیه‌کننده و کارگردان گرفته تا بقیه عوامل همچون مدیر فیلمبرداری، مدیر صدابرداری و... همه از بهترین‌ها بوده و برایم قابل احترام هستند.

برایتان کار در هوای شرجی سخت نیست؟

دقیقا، دمای هوا بالای ۴۰ درجه است و شرجی بودن باعث شده سختی کار چند برابر شود. از سوی دیگر بخشی از لوکیشن‌ها در فضای باز روستا ضبط می‌شود و طبیعی است که اذیت می‌شوم اما خوشبختانه چون گروهی حرفه‌ای در کار حضور دارد، سختی‌ها کمتر به چشم می‌آید. در واقع چون فضای سریال معنوی است خودم را به خدا و امام حسین (ع) سپرده‌ام و بازی می‌کنم. امیدوارم همه گروه به سلامت کار را به پایان برسانند.

شما در همه این سال‌ها نقش مادران زیادی را بازی کردید. در این سریال چه نقشی را به عهده دارید؟

من در این سریال نقش زنی بسیار خاص را بازی می‌کنم که راهگشای یک جوان می‌شود و او را به یک مسیر درست هدایت می‌کند. البته برای این که قصه لو نرود، بیشتر از این نمی‌توانم توضیح بدهم. در کل فضای کار بسیار حس خوب و لذت‌بخشی دارد. با چنین ویژگی‌هایی که نقش من دارد اما به هیچ وجه گل درشت نیست و اتفاقا کم دیالوگ است. می‌توانم بگویم مخاطب حتما با فضای سریال و شخصیت‌ها ارتباط خوبی برقرار می‌کند. خودم از مجموع کار راضی هستم و به نظرم کار خوبی می‌شود.

بازیگر نقش مقابل در کار خیلی موثر است. حضور سامرند معروفی به عنوان بازیگر مقابل چقدر موثر است؟

بسیار فوق‌العاده است. البته ما با هم در اثر دیگری هم بازی داشتیم اما نقش مقابلم نبود و این اتفاق در سریال در کنار پروانه‌ها رخ داده است. واقعا کار کردن کنار او را دوست دارم و برایم جالب است.

مادرانه‌ای به زبان طنز



سریال «شرایط خاص» به کارگردانی وحید امیرخانی از جمله بازی‌های خاص مرحوم پروانه معصومی بود که روی آنتن رفت. او در این مجموعه نقش مادر شهید را بازی می‌کرد و بده بستان‌هایش با دیگر بازیگران، روایت قصه را پیش می‌برد. شرایط خاص، یک طنز متفاوت از موقعیت جابه‌جایی شخصیت در طول داستان بود. در عین حال نگاهی گذرا به دفاع مقدس داشت و مضامین اجتماعی با زبانی طنز در آن طرح می‌شد. این مجموعه تلویزیونی طنز با بازیگری کامبیز دیرباز، بهرام افشاری و هنرمندی‌های مرحوم پروانه معصومی، به یک کار ویژه و ماندگار تبدیل شد. از دیگر بازیگران این مجموعه‌ها می‌توان به شادروان سیروس گرجستانی، نادر سلیمانی، سوگل قلاتیان و مریم سعادت اشاره کرد. مرحوم معصومی پیش از این درباره نقش طنز خود در شرایط خاص گفته بود: اینجا من مادر شرایط خاص هستم! ژانر طنز نیاز امروز رسانه ملی است، چون می‌بینیم مخاطبان ما در جریان گرفتاری‌های روزمره خود به یک بارقه امیدی با زبان کمدی و آموزه اجتماعی نیازمندند.

زیست سبز خانم بازیگر



بعد از درگذشت پروانه معصومی، مستندی از او روی آنتن رفت که زندگی این بازیگر و زیست او در شمال کشور را روایت می‌کرد. او در بخشی از این مستند، از زندگی در شمال و طبیعت زیبای آنجا می‌گوید. روایت این مستند با عنوان «شما که غریبه نیستید»، در واقع بخشی از زندگی او در منطقه سرسبز شمال و حال و هوای او را به مخاطب نشان می‌دهد. حتی در یک بخش از مستند به یکباره بلند می‌شود تا پرده اتاق را بکشد و به گفته خودش بنفشه آفریقایی با نور آفتاب نسوزد. قاب‌های ماندگار این مستند شاید برای اولین بار زندگی او را به نمایش گذاشته بود. شادروان معصومی در یک مصاحبه‌ای هم گفته بود: هیچ جوری دوست نداشتم که بازیگر بشوم، چون سینمای آن زمان طوری بود که فامیل من اجازه نمی‌داد. من در یک خانواده مذهبی بزرگ شدم و اولین فیلمی هم که بازی کردم باعث اختلاف شد. پدرم گفته بود که به ما ربطی ندارد. قولی که به پدرم دادم این بود که گفتم شما مطمئن باشید که هیچ وقت من کاری نمی‌کنم که حیثیت شما را زیر سوال ببرم. آبروی شما را حفظ خواهم کرد و مسلم بدانید که هیچ‌وقت اذیتتان نخواهم کرد.

کیوآرکد را اسکن کنید

هنر بازی با بزرگان

مصداق هنرمندی و توانمندی مرحوم پروانه معصومی در حوزه بازیگری، کار با بزرگان این حوزه است. از کارگردان‌های مطرحی مثل داوود میرباقری و سیروس مقدم تا هنرمندانی مثل داریوش ارجمند و محمود پاک‌نیت. همه اینها نشان از توانمندی این بازیگر توانمند در عرصه بازیگری دارد که با وجود گزیده‌کار بودن، کارنامه‌ای ماندگار از خود به جا گذاشته بود. مرحوم معصومی به باور هنرمندانی که با او کار کرده بودند، امیل و ماندگار بود.

